هیچ لذتی بالاتر از انتقام نیست

جنایتکارترین وطنفروشان خلقی، پرچمی، جهادی و طالبی که در جاسوسی بی حد و مرز می تازند، اکثریت شان در پارلمان افغانستان لانه کرده اند. اینان که در سه دهه ی اخیر با بی ناموسی و خونریزی روی هلاکو و هتلر را سفید کردند، هر لحظه آتش انتقام را در پیش پا وطناب دار را بر حلق شان احساس می کنند.

بعد از اعدام صدام و اعدام دلاورانه ی یکی از بی ناموس ترین آنان مولوی محمد اسلام محمدی که از زمان حکومت در تبعید جهادی ها تا دوران سیاه طالبی و امروز، قوماندان، وزیر، والی و وکیل بود، بند دل جانیان پارلمانی را لرزاند. لذا با عجله و دیوانه وار به تصویب "منشوری" در ولسی جرگه دست زدند و به این گمان که از انتقام مردم در امان بمانند، تمام قتل ها، چپاول ها، تجاوز به ناموس ملت و ده ها بی ناموسی دیگر را برای خود بخشیدند!!

در چنین ولسی جرگه ای که تیکه داران دین و متجاوزان به شرف و ناموس ملی کشور چون سیاف، ربانی، قانونی، علومی، مجددی، نورزایی، کاظمی، فاروقی، راکتی، گلابزوی، محقق، علم سیاه، ملا لودین، ملا جمال، گیلانی، اکبری، جوادی، ایماق، خواصی و جانیان دیگری ازین قماش لمیده باشند، چرا چنین "معافیت نامه ای" به تصویب نرسد؟!

این "منشور" علاوه به اینکه از سرجنایتکاران فاشیستی چون ملاعمر و گلبدین دعوت به عمل می آورد که چون برادران تنی شان به کابل تشریف بیاورند و در قدرت سهیم گردند، خود را در آینده از تمام پیگردهای قانونی و قضایی معاف کرده و به این صورت "صلح و آشتی ملی" را به تصویب رسانده اند!!

جنایتکاران پارلمانی که با اعدام یکی از همپالگی های شان زهره ترق و باد رفته شدند، این را نمی دانند که در شرایط کنونی هیچ دولت، قانونی و محکمه ای آنانرا به طناب دار نخواهد برد، جز وارثان خون شهدا و توده های انتقامگیر ما کسی دیگری نخواهد بود. اگر صدام را اشغالگران امریکایی به پای دار بردند، نه به خاطریکه خون مردم را ریخته بود، چون همین اکنون خود اشغالگران هزار بار خون بی گناهان عراقی را از صدام بیشتر می ریزند. آنان این اعدام را به خاطر راضی نگهداشتن سران وطنفروش شیعه و کرد شان برای دستیابی بهتر به حوزه های نفتی عراق انجام دادند. در حالیکه جنایتکاران پارلمانی و غیر پارلمانی ملک ما نوردیده های امپریالیست ها بوده، برای استقرار درازمدت پایگاه های شان به چنین وطنفروشانی احتیاج دارند. وطنفروشانی که حاضر اند به خاطر در قدرت ماندن، کفش های امریکایی ها را بر دیده بمالند و بلیسند.

اما اعدام مولوی محمدی که هیچ محکمه و قانون سرکاری ای آنرا فیصله نکرد، در آتش انتقام برحق دلاور یا دلاورانی سوخت که بر چنین محاکم و قوانینی تف می ریزند و اگر امروز نه فردا در محاکم انتقام، پیکرهای جنایتکاران دیگر را نیز با سرب داغ سوراخ سوراخ کرده، اجساد کثیف شانرا با چنین منشورهایی در شعله های آتش خواهند سوخت.

تصویب این "منشور" که یکبار دیگر تمامی جنایات و بی ناموسی های پارلمانی ها و غیرپارلمانی ها را در خاطره ها زنده کرد، نه تنها قادر به ایجاد سپر دفاعی برای اینان در برابر خشم و انتقام مردم نخواهد شد که راه چنین انتقامی را هموارتر ساخته، ساده لوح ترین افرادی که تا حال فکر می کردند، دولت سرسپرده ی کرزی، کمیسیون پوشالی حقوق بشر و یا متجاوزان ناتو و امریکا، روزی ازین جانیان حساب و کتابی خواهند گرفت را نیز به نتیجه رساند که باید خود دست به ساطور شوند و جزای اعمال این متجاوزان به ناموس و شرف افغانستان را کف دست شان بگذارند و ببینند که هیچ لذتی بالاتر از انتقام نیست.

در راه برابری، به پیش

گروه پیشگام افغانستان

دلو 1385